

## اخلاقی شدن: از ناپیروی تا خودپیروی

### Moralization: From Anomy to Autonomy



- روان‌شناسی اخلاق

- پروین کدیور

- نشر آگه

- ۱۳۹۱، ۱۹۲ صفحه، ۵۵۰ نسخه، بها ۸۰۰۰۰ ریال

محمدتقی دلخوش

دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران جنوب

«بررسی فرایند تحول اخلاقی، به‌طور عمده، در دو دیدگاه از دیدگاه‌های روان‌شناسی صورت گرفته است: یکی، در نظریه‌های شناختی، که بر مراحل تحول اخلاقی و عوامل تسهیل‌کننده انتقال آن از یک مرحله به مرحله دیگر تأکید دارد و دیگری، روان‌شناسی شناختی - اجتماعی، که بر مشاهده دیگران، تقلید از آن‌ها و استفاده از تشویق و تنبیه در انجام یک امر، اصرار می‌ورزد.»

عبارت بالا، برگرفته از فصل سوم کتاب بدون مقدمه «روان‌شناسی اخلاق» تألیف دکتر پروین کدیور، استاد شناخته‌شده روان‌شناسی تربیتی است، که توسط انتشارات آگه (نشر آگه) در ۱۹۲ صفحه، در سال ۱۳۹۱ نخستین چاپ، ویراست دوم (چاپ اول، ویراست اول: ۱۳۷۸) آن انتشار یافته است.

### مروری بر اثر

کتاب شامل پنج فصل، منابعی مجزا برای هر فصل، و سه پیوست است.

فصل اول به نظریه پیازه در زمینه تحول اخلاقی اختصاص یافته است. فصل آغاز شده با مروری بر کتاب قضاوت اخلاقی کودک پیازه. و در ادامه به ترتیب این مطالب آمده‌اند: مناسبت آرای کانت و پیازه در تعیین‌کننده‌های اخلاق دیگرپیرو و خودپیرو، طرح بحث توازی تحول شناختی و تحول اخلاقی، به‌کارستن و آگاهی از قواعد در نزد کودکان. و فصل با موضوع واقع‌گرایی و نسبی‌گرایی اخلاقی، همراه با نمونه‌هایی از داستان‌های اخلاقی پیازه، و همچنین ذکر کاربرد نظام پیازه، پایان گرفته است.

در فصل دوم، نظریه کالبرگ [کهلبرگ] در زمینه تحول اخلاقی به بحث کشیده شده است. در این فصل، مؤلف پس از طرح موضوع قضاوت و مراحل تحول اخلاقی، و ذکر نکاتی درباب آموزش اخلاق در نظریه کالبرگ، به انتقادهای وارد بر نظریه کالبرگ، روش‌های جدید در سنجش قضاوت اخلاقی، و روی‌آوردهای نوکالبرگی می‌پردازد.

از نظریه تا عمل عنوان فصل سوم است. در این فصل بحث مبانی فلسفی و روش‌شناختی دیدگاه شناختی در زمینه تربیت اخلاقی به‌میان آمده است.

در فصل چهارم، پس از بیان خلاصه‌ای از دیدگاه شناختی در زمینه تحول اخلاقی، محدودیت‌های نظری این دیدگاه در حیطه بررسی‌های اخلاقی برشمرده شده است.

فصل پنجم به موضوع دیدگاه شناختی-اجتماعی و تحول اخلاقی معطوف گردیده. در این فصل، پس از شرح نظریه

شناختی - اجتماعی، ویژگی‌های نظری این دیدگاه در مورد موضوع تحول اخلاقی توضیح داده شده، و در ادامه، چند مقایسه نظری آورده شده است؛ بین نظریه شناختی-اجتماعی با نظریه‌های صفات [رگه‌ها]، یادگیری، روان‌کاوی [روان‌تحلیل‌گری]، و پیازه و کالبرگ. و آخرین بحث این فصل، کاربرد اخلاقی نظریه شناختی-اجتماعی است.

از سه پیوست، در پیوست اول، شش داستان کوتاه قضاوت اخلاقی پیازه، در پیوست دوم، پنج داستان از داستان‌های کالبرگ پیرامون قضاوت اخلاقی، و در پیوست سوم، شش داستان پرسشنامه داوری‌های اجتماعی (جیمز رست) گرد آمده‌اند.

## برجستگی اثر

کتاب پیام روشنی را از خلال مقایسه دو نظریه شناختی و شناختی-اجتماعی به خواننده منتقل می‌کند. و آن تأکید بر جنبه‌های کاربردی و تربیتی چشم‌انداز شناختی-اجتماعی در زمینه تحول اخلاقی است. هرچند در کتاب به عمق نظریه پیازه در باب تحول اخلاقی پرداخته نشده، اما اصل نظریه را به شکل مطلوبی منعکس ساخته است. سه پیوست که دربرگیرنده داستان‌هایی پیرامون قضاوت‌های اخلاقی و داوری‌های اجتماعی‌اند، برای آشنایی خوانندگان با اندازه‌گیری در قلمرو قضاوت اخلاقی بسیار مفید و به‌جا ارائه شده‌اند، و پژوهشگران را برای پژوهش در حیطه موضوع‌های اخلاقی دعوت می‌کنند. همچنین، باید به نثر روان، ساده و دقیق مؤلف اشاره کرد که اثری سودمند و خواندنی را در اختیار خوانندگان قرار داده است.

## کاستی‌ها

انتقاد اصلی نسبت به عنوان کتاب است: "روان‌شناسی اخلاق". روان‌شناسی اخلاق یک مبحث بین‌رشته‌ای است، که شرح و بسط آن مستلزم ورود به مباحث فلسفی، روان‌شناسی، و علوم عصبی، است. اما، کتاب حاضر، مشتمل بر فصل‌های محدودی از مطالب چند نظریه تحول اخلاقی است. حتی در قلمرو روان‌شناسی عناوینی همچون، انگیزش اخلاقی، هیجان اخلاقی، دیگر دوستی، شهود اخلاقی، نقش، عاملیت و مسؤلیت‌پذیری، اخلاق و شخصیت ... ارائه نشده‌اند. و فصل‌بندی کتاب، مشخصاً به اقتضای مباحث اخلاقی‌ای تنظیم شده‌اند، که بیشتر مؤلف در حوزه رغبت‌های خود در پژوهش‌هایی بدان‌ها پرداخته بوده است: "بررسی رشد قضاوت‌های اخلاقی دانش‌آموزان و رابطه آن با جو سازمان مدرسه و نحوه تعامل معلم و دانش‌آموزان"، "بررسی نقش استدلال‌های اخلاقی و نحوه تعامل معلم در رشد اخلاقی دانش‌آموزان"، ... هرچند بهره‌گیری از دست‌یافت‌های پژوهشی پیشین دلیلی بر کاستی یک اثر نیست، اما، آنچه به‌شکل برجسته‌ای در تدوین کتاب حاضر به‌چشم می‌آید، سازمان‌یافتگی مطالب به سبک و سیاق گزارش طرح‌های پژوهشی است (برای نمونه نگاه کنید به شروع این رویه در صفحه‌های: ۱۳، ۳۶، ۴۸، ۶۲، ۸۰). به‌گونه‌ای که گویی مطالب کتاب، مستخرج از فصل دوم یک یا دو طرح پژوهشی است، که با چند اثر دیگر جرح و تعدیل یافته، اما نه به‌شيوه‌ای که یک‌پارچگی اثر تضمین شده باشد. به عبارت دیگر، پیوستگی لازم بین مطالب ناکافی است و کتاب قوام‌یافته نیست و راهبرد تألیفی برجسته‌ای برای سازماندهی فصل‌های کتاب اتخاذ نشده است.

به‌همین دلیل است که پاره‌ای مطالب، که کم هم نیستند، بارها در فصل‌ها تکرار شده‌اند. برای نمونه کل فصل چهارم که تحت عنوان، دیدگاه شناختی: خلاصه و ارزشیابی، مطالب سه فصل قبلی با تغییراتی بازنویسی شده‌اند، و با یک بند نامفهوم، فصل پایان می‌گیرد. نمونه دیگر در فصل پنجم، تمام بحث‌ها در باب مقایسه بین نظریه شناختی-اجتماعی و نظریه شناختی، در نهایت بدین بند ختم می‌شود که، در دیدگاه شناختی-اجتماعی نیز مانند دیدگاه شناختی تصمیم‌های اجتماعی پیچیده هستند و ... روان‌شناسان شناختی-اجتماعی ... ضمن قبول پیچیدگی قضاوت اخلاقی با پیشرفت سن، گنجاندن افراد در مراحل مشخص و از قبل تعیین‌شده را مردود می‌شمارند. از دیگر شواهد ضعف انسجام ساختاری کتاب، ظهور به‌یک‌باره نظریه روان‌کاوی [روان‌تحلیل‌گری] در فصل پنجم در مقام مقایسه با نظریه شناختی-اجتماعی است. مطلب با تحلیل روان‌کاوانه گناه آغاز می‌شود (صفحه ۱۳۶) و در آخر (صفحه ۱۴۰) با معرفی نهاد و خود و فراخود نظریه فروید پایان می‌گیرد.

همچنین، حضور پاره‌ای از مطالب نیز با اهداف کتاب ناهمخوانند. برای نمونه، بخش عمده‌ای از فصل پنجم، که به توضیح مبانی

نظریه شناختی-اجتماعی اختصاص یافته است. نمونه دیگر مطالب پایانی فصل پنجم با عناوین متفاوت که جملگی بحث‌های تربیت اخلاقی هستند و انعکاس تحویل مقوله‌های روان‌شناسی ژنتیک به مباحث روان‌شناسی تربیتی می‌باشد؛ فصل پنجم با این عبارت به پایان می‌رسد: بنابراین، مربی باید به‌طور طبیعی و با توجه به مسایل پیش‌آمده در کلاس به بحث و گفتگو با دانش‌آموزان اقدام کند و زمینه را برای تربیت اخلاقی آن‌ها فراهم آورد.

پاره‌ای اشکالات به بحث‌های طرح‌شده، وارد است، که با متون اصلی مؤلفان مغایرت دارند. برای نمونه، بحث عوامل تحول روانی از دیدگاه پیازه (صفحه ۸۹)، یا مطالبی که ذیل عنوان *تعادل جویی* (صفحه ۹۷ تا ۱۰۲) آمده و درباب تحول اخلاقی است و نه تعادل جویی. و مطالبی که تحت عنوان *محدودیت‌های نظریه شناختی* (صفحه ۱۱۰ تا ۱۱۳) آمده است: ... *نظریه شناختی به دلیل پافشاری بر مراحل عمومی با توالی ثابت که همه کودکان از آن عبور می‌کنند و نیز برآورد نازل پیازه از توانایی کودکان، مورد انتقاد قرار گرفته است.* از کاستی‌های نامنتظر، فقدان مقدمه و واژه‌نامه‌هاست. کتاب از نمایه اسامی افراد و نمایه موضوعی هم بی‌بهره است. ناهمواری‌های دیگر، معادل‌های فارسی برای اصطلاحات لاتین است. معادل‌های بدون زیرنویس (برای نمونه صفحه‌های: ۱۴، ۷۲، ۹۰، ...)، معادل‌های متفاوت برای یک اصطلاح: خودمداری (صفحه ۲۱)، خودمحوری (صفحه ۲۱)، خود - میان‌بینی (صفحه ۲۹، ۸۷)، پس‌عرفی (صفحه ۶۳)، پس‌اعرفی (صفحه ۶۱)، فراقاردادی (صفحه ۶۳)، ... خودمحوری کمتر (در صفحه‌های ۹۷ و ۹۸؛ آیا منظور میان‌واگرایی است؟).

### سخن آخر

دانشجویان، اساتید و پژوهشگران می‌توانند از این اثر که متمرکز بر موضوع تحول اخلاقی است، بهره‌مند شوند. امید است که در ویرایش بعدی کتاب، با افزودن فصل‌های جدید و بازسازماندهی مباحث در ساختاری نو، اثری فراهم شود که در خور جامعیت و گستردگی حیطه روان‌شناسی اخلاق باشد.